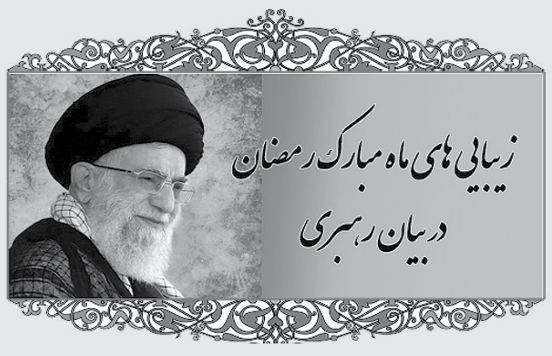

معارف فراوان موجود در ادعیه مأثوره

در دعاهای معتبر خیلی معارف وجود دارد که انسان این‌ها را در هیچ‌جا پیدا نمی‌کند؛ جز در خود همین دعاها. از جمله این دعاها، دعاهای صحیفه سجّادیه است. در منابع معرفتی ما چیزهایی وجود دارد که جز در صحیفه سجّادیه یا در دعاهای مأثور از ائمّه(ع) انسان اصلاً نمی‌تواند این‌ها را پیدا کند. این معارف با زبان دعا بیان شده. نه اینکه خواستند کتمان کنند؛ طبیعت آن معرفت، طبیعتی است که با این زبان می‌تواند بیان شود؛ با زبان دیگری نمی‌تواند بیان شود؛ بعضی از مفاهیم جز با زبان دعا و تضرّع و گفت‌وگو و نجوای با پروردگار عالم اصلاً قابل بیان نیست. لذا ما در روایات و حتّی در نهج‌البلاغه از این گونه معارف کمتر می‌بینیم؛ امّا در صحیفه سجّادیه و در دعای کمیل و در مناجات شعبانیه و در دعای عرفه امام حسین و در دعای عرفه حضرت سجّاد و در دعای ابوحمزه ثمالی از این‌گونه معارف، فراوان می‌بینیم.

از دعاها غفلت نکنید؛ به دعاها بپردازید. دعا هم بکنید. شما بارهای سنگینی بر دوش دارید؛ دشمن‌های زیادی هم دارید؛ مخالفان زیادی هم دارید؛ دولت اسلامی همیشه همین‌طور بوده. از اول انقلاب دولت‌های ما، به‌خصوص وقتی که تازه‌نفسند مخالفانی دارند؛ هم مخالفان بیرونی، هم مخالفان داخلی. جوّسازی می‌کنند، شایعه‌پراکنی می‌کنند، منفی‌بافی می‌کنند، دروغ پخش می‌کنند، احیاناً در صحنه عمل و در کارهای میدانی کارشکنی می‌کنند. مقابله با این مخالفت‌ها یک مقدار عزم و تصمیم قاطع و جدّ در عمل و خسته نشدن و دنبال کار را گرفتن می‌خواهد؛ یک مقدار هم توسّل و توجّه و تضرّع و از خدا کمک خواستن لازم دارد. اگر از خدای متعال استمداد و استعانت کنیم، روح خستگی‌ناپذیری را در ما به‌وجود خواهد آورد.

> **یکی از نعمت‌های بزرگ خدا این است که آدم خسته نشود و حوصله‌اش سر نرود. در راه‌های طولانی گاهی انسان قوّه هم دارد؛ زانو و پاها اصلا خسته نشده؛ امّا آدم از حرکت، خسته روحی می‌شود. این خستگی روحی، انسان را از رسیدن به اهداف باز می‌دارد. برای اینکه این خستگی روحی پیش نیاید - که از خستگی جسمی گاهی خطرش هم بیشتر است- استمداد از پروردگار، توکّل به خدا و امیدواری به کمک الهی لازم است.**

دعا، علاج خستگی روحی

یکی از نعمت‌های بزرگ خدا این است که آدم خسته نشود و حوصله‌اش سر نرود. در راه‌های طولانی گاهی انسان قوّه هم دارد؛ زانو و پاها اصلاً خسته نشده؛ امّا آدم از حرکت، خسته روحی می‌شود. این خستگی روحی، انسان را از رسیدن به اهداف باز می‌دارد. برای اینکه این خستگی روحی پیش نیاید- که از خستگی جسمی گاهی خطرش هم بیشتر است- استمداد از پروردگار، توکّل به خدا و امیدواری به کمک الهی لازم است؛ این را از دست ندهید و این را داشته باشید. من و شما پیش خدای متعال عزیزتر نیستیم از کسانی که قبل از ما بودند و از کسانی که بعد از ما خواهند آمد؛ مگر اینکه عملمان خوب باشد و تقوایمان بیشتر از آنها باشد؛ این را توجّه داشته باشید. اگر تقوای بیشتری به خرج دادیم، از خودمان بیشتر مراقبت کردیم، بهتر کار کردیم، بهتر به وظایفمان عمل کردیم، به قانون بیشتر احترام گذاشتیم و در جهت این اهداف، بیشتر پیش رفتیم، پیش خدای متعال عزیزتر خواهیم بود؛ امّا بدون آن، نخیر. باید تلاشمان را در این جهت متمرکز کنیم. مواظب باشیم در دام‌هایی که دیگران افتادند، ما نیفتیم. هر کس در آن دام‌ها بیفتد، همان بلاها و همان عواقب برایش متصوّر است؛ لذا فرقی بین ما و آنها نیست.

*** بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت - ۱۳۸۴/۷/۱۷**

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

صحت روزه مستحبی در سفر

س) شخصی که مفطری انجام نداده، در سفر در ساعت ده مثلاً نذر می‌کند که امروز را روزه می‌گیرم؛ آیا نذر او صحیح است یا باید نذر، قبل از سفر و قبل از طلوع فجر باشد؟

ج) برای صحت روزه مستحبی در سفر، بنابر احتیاط واجب شرط است که نذر در حضر (قبل از سفر) منعقد شده باشد نه در سفر.

روزه برای زن باردار

س) زن بارداری هستم که ماه دوم بارداری‌ام مصادف با ماه رمضان شد، وظیفه من چیست؟

ج) اگر می‌ترسید که روزه برای جنین یا خودتان ضرر داشته باشد، روزه واجب نیست ولی باید روزه‌هایی را که نگرفته اید، قضا کنید و بنابر احتیاط فدیه نیز بدهید.

حکم روزه مستحبی در سفر

س) آیا مسافر می‌تواند روزه مستحبی بگیرد؟

ج) خیر، گرفتن روزه مستحبی در سفر جایز نیست؛ مگر در صورتی که در حضر (نه در سفر) نذر شرعی کند که در سفر روزه بگیرد یا در مدینه طیبه که برای برآورده‌شدن حاجت، می‌تواند سه روز، روزه مستحبی بگیرد و احتیاط آن است که روز چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه را اختیار کند.

روزهٔ دختران نوجوان

س) دخترم تازه به سن بلوغ رسیده و روزه‌گرفتن برای او ممکن نیست، وظیفه او چیست؟

ج) واجب است که روزه بگیرد و ترک آن به‌صرف دشواری، ضعف جسمانی و مانند آن، جایز نیست مگر آنکه روزه برای او ضرر داشته یا تحمل آن با مشقت زیادی همراه باشد.

روزه‌گرفتن در سفر

س) در چه صورتی می‌توانم هنگام سفر در ماه مبارک رمضان، از فیض روزه محروم نشوم؟

ج) در صورتی که در وطن، روزه مستحبی را نذر کنید می‌توانید در سفر به آن نذر عمل کنید و روزه بگیرید اما روزه رمضان محسوب نشده و بعدا باید آن روز را قضا کنید.

استفاده از سرم و آمپول هنگام روزه‌داری

س) حکم روزه نسبت به استفاده از موارد زیر چیست: سرم خوراکی، سرم تقویتی، آمپولی که در رگ تزریق می‌شود، آمپول عضلانی، آمپول تقویتی، آمپول آنتی‌بیوتیک، آمپول بی‌حسی، آمپول مسکّن؟

ج) احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از استعمال آمپول‌های تقویتی و آمپول‌هایی که به رگ تزریق می‌شود و همچنین انواع سِرُم‌ها خودداری کند ولی تزریق آمپول‌های غیرتقویتی در عضله مانند آنتی‌بیوتیک یا مسکّن یا آمپول بی‌حسی و نیز دارویی که روی زخم‌ها و جراحت‌ها گذاشته می‌شود، اشکال ندارد.

کلمه «استعمار» از بی‌حقیقت‌ترین کلمات

معنی اصلی استعمار این است که قوم متمدن خیرخواهِ انسان‌دوستی، سرزمینی را تحت نظر می‌گیرند به منظور آباد کردن آن و تعلیم دادن و تربیت کردن مردم آنجا و بالا بردن سطح فرهنگ و تأمین بهداشت آنجا؛ ولی در زیر این کلمهٔ بسیار جالب چه جنایت‌ها واقع شد که امروز کلمه «استعمار» از منفورترین کلمات دنیاست.

اسلام هیچ وقت با کلمات بازی نمی‌کند ولی معنی را می‌آورد. اسلام لفظ «بردگی» را عوض نکرد ولی معنی واقعی استعمار یعنی تحت نظر گرفتن افراد برای بالا بردن فکر و معلومات و تعلیم و تربیت آنها را تصویب کرد. اروپایی‌ها لفظ را خوب آوردند معنا را زشت.

چه علما و بزرگانی و چه سردارهایی در میان مردها و زن‌های بردگان پیدا شد!

*** استاد مطهری، روابط زن و مرد در اسلام، ص ۱۸۱**

شاخصه‌های اسراف و مسرفان در قرآن

حسن مقدم‌فر

وقتی از اسراف سخن به میان می‌آید، اولین چیزی که به ذهن متبادر می‌شود، اسراف اقتصادی است؛ در حالی که از نظر آموزه‌های قرآن، اسراف به معنای تجاوز از حدود در هر کاری، ساحات گوناگون از عقاید تا رفتار جنسی بلکه انفاقات مالی و قصاص کیفری و مانند آنها را شامل می‌شود. بنابراین، وقتی قرآن از اسراف سخن به میان می‌آورد ساحات فرهنگی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی و مانند آنها را شامل می‌شود.

ساحات مختلف اسراف

اسراف در ساحت اعتقادی، با گرایش به کفر و شرک(غافر، آیات ۴۲ و ۴۳)، تکذیب پیامبران(یس، آیات ۱۴ و ۱۹)، تکذیب قرآن (زخرف، آیه ۵)، تکذیب بینات و معجزات الهی پیامبران برای اثبات صداقت در دعوت(غافر، آیه ۲۸)، شک و تردید در بینات و معجزات یا حتی بعثت پیامبران دیگر پس از پیامبران پیشین(همان) و مانند آنها خودش را نشان می‌دهد؛ زیرا چنین گرایش‌هایی نشانه تجاوز از حق و عدالتی است که دین آن را معین و تبیین کرده و عقل فطری و نقل وحیانی آن را می‌فهمد و به‌طور فطری بدان گرایش دارد،چنان‌که مؤمنان اهل قلب سالم و سلیم بدان گرایش دارند، در حالی که اهل باطل با گرایش‌های نادرست و زیاده از حدّ خویش همچون اسراف، نه‌تنها عقاید باطلی چون کفر و شرک دارند، بلکه حتی در خواسته‌های خویش نیز درک و فهم درستی از حقایق و چگونگی دعا و خواسته ندارند؛ از همین‌رو چنین افرادی وقتی گرفتار ضرر می‌شوند، به اشکال گوناگون ایستاده و نشسته و به پهلو و در همه احوالات دست به دعا می‌شوند، اما وقتی خدا ضرر را از آنها بردارد، اصلا خدا و دعاکردن‌هایش یادشان می‌رود و خدا را به کنار می‌گذارند و رویه پیشین نادرست خویش را در پیش می‌گیرند که از نظر قرآن، چنین افرادی جزو مسرفین هستند.(یونس، آیه ۱۲) خدا به پیامبران و مؤمنان وعده داده که بر دین خدا و دعوت بدان استقامت ورزند؛ زیرا سنت الهی چنان‌که وعده داده، نجات آنان از دست مسرفان و هلاکت و نابودی مسرفان است. (انبیاء، آیات ۷ و ۹)

اما اسراف در ساحت اجتماعی با «علو» و خودکامگی و استبداد،خود را نشان می‌دهد که با استبدادگری و برتری جویی باطل، حقوق اجتماعی مردم را از آنان سلب می‌کنند و با انواع ستمگری‌ها از جمله ایجاد ترس و فتنه‌گری‌ها مردمان را گرفتار عذاب‌های خوارکننده می‌کنند.(یونس، آیه ۸۳؛ دخان، آیات ۳۰ و ۳۱)

اسراف در ساحت اقتصادی گاه با انفاق بیش از نیاز شخص یا توان خویش و قرارگیری در شرایط سخت اقتصادی اتفاق می‌افتد؛ زیرا همان گونه که تفریط با بخل‌ورزی و دست‌تنگی اتفاق می‌افتد، اسراف به عنوان عمل افراطی در ساحت انفاق اقتصادی با بسط کامل و تمام اتفاق می‌افتد که موجب حسرت و ملامت است. (اسراء، آیه ۲۹)

بنابراین، در انفاق نباید اسراف کرد که عامل حسرت و ملامت شود؛ از همین رو خدا پیامبرش را از هر گونه اسراف انفاقی برحذر می‌دارد(همان) و به مؤمنان فرمان می‌دهد که وقتی انفاق از محصولات دارید بیش از اندازه معمول نباید انفاق کنند به‌طوری که برای خود و خانواده‌شان چیزی باقی نماند؛ چنان‌که امام صادق(ع) ذیل آیه ۱۴۱ سوره انعام بیان کردند.(نورالثقلین، ذیل آیه) از این آیات می‌توان دریافت که اسراف در عمل صالح و حسنات نیز اتفاق می‌افتد و مختص به عمل بد نیست؛ بنابراین، کسی که از خود ایثارگری می‌کند، اولا نباید در مقام احسان و ایثار کاری کند که خانواده‌اش در شرایط سختی قرار گیرند که از آن به «ملوما محسورا» یاد شده است. (اسراء، آیه ۲۹)

در حقیقت حکمت‌های عملی قرآن ناظر به این معنا است که اعتدال در امور اقتصادی و نگه داشتن حد و اندازه، بسیار مهم و اساسی است. تاکید بر مراعات حال خویش و خانواده در ایثارگری در روایات دیگر نیز وارد شده است.

حتی در برخی از روایات آمده که وقتی مردی همه اموال خود را پیش از مرگ انفاق می‌کند و دخترانش بی‌مال می‌شوند، پیامبر(ص) فرموده بود که اگر آگاه می‌شد اجازه دفن میت را در قبرستان مسلمین نمی‌داد؛ زیرا با چنین رفتاری از دایره مسلمانی خارج شده است؛ چرا که اسلام چیزی جز مراعات قوانین الهی و اعتدال و عدالت نیست.

البته اسراف در ساحت اقتصادی می‌تواند با اسراف در مصرف مثل زیاده‌روی در آشامیدنی‌ها و خوردنی‌ها نیز همراه باشد که گناهی بزرگ است.(اعراف، آیه ۳۱)

اسراف در ساحت حقوق کیفری با زیاده‌روی در قصاص و مثلا کشتن بی‌جای قاتل یا تجاوز از حد معین قصاص با مثله‌کردن قاتل یا حتی انتقام از خانواده‌ها با کشتن غیرقاتل و مانند آنها تحقق می‌یابد؛ زیرا این‌گونه اسراف خروج از ساحت حق و عدالت و تقابل مثلی است که مطابق قاعده:«اعتدوا بمثل ما اعتدی علیکم» است.(اسراء، آیه ۳۳؛ نورالثقلین؛ مجمع البیان ذیل آیه؛) اصولا از نظر قرآن، قتل بی‌گناهان و منادیان توحید از جمله پیامبران از سوی کافران و مشرکان (غافر، آیه ۲۸؛ اسراء، آیه ۳۳؛ مائده، آیه ۳۲) از مصادیق اسراف در ساحت حقوق و اجتماعی است.

اسراف در ساحت اخلاقی و فرهنگی با شکستن هنجارها و ارزش‌های فطری انسانی همچون همجنس‌بازی و لواط و مساحقه(ذاریات، آیات ۳۲ تا ۳۴) نه‌تنها جرم است بلکه گناهی بزرگ است که مجازات دنیوی آن سنگسار و عذاب‌های الهی سنگین و شدید است که علیه قوم لوط اتفاق افتاد. (همان؛ اعراف، آیات ۸۰ و ۸۱)

آثار و پیامدهای اسراف

اسراف روحیه و رویه باطل ضدحق و عدالتی است که باید از آن اجتناب کرد. از همین‌رو از حکمت‌های عملی قرآن که بدان دعوت می‌شود، اجتناب از اسراف درهمه ساحات است تا این‌گونه به «خیر کثیر» دست یافت. قرآن یکی از اوصاف عبادالرحمن که مصداق ابرار و مقربان هستند را پرهیز از اسراف در امور به‌ویژه انفاق می‌داند.(فرقان، آیات ۶۳ و ۶۷)

بنابراین، مؤمنان اگر بخواهند حقیقت ایمان را در قالب عبادالرحمن نشان دهند، باید هیچ گرایشی به اسراف نداشته باشند و اگر در گذشته اسراف داشته‌اند از آن استغفار و توبه کنند تا تحت مغفرت الهی قرار گیرند و جزو محسنین محبوب در پیشگاه خدا شوند. (آل عمران، آیات ۱۴۶ تا ۱۴۸)

> **از نظر آموزه‌های قرآنی اسرافگری در انفاق موجب محرومیت انسان از رسیدن به مقام بندگی و عنوان «عبادالرحمن»است.**

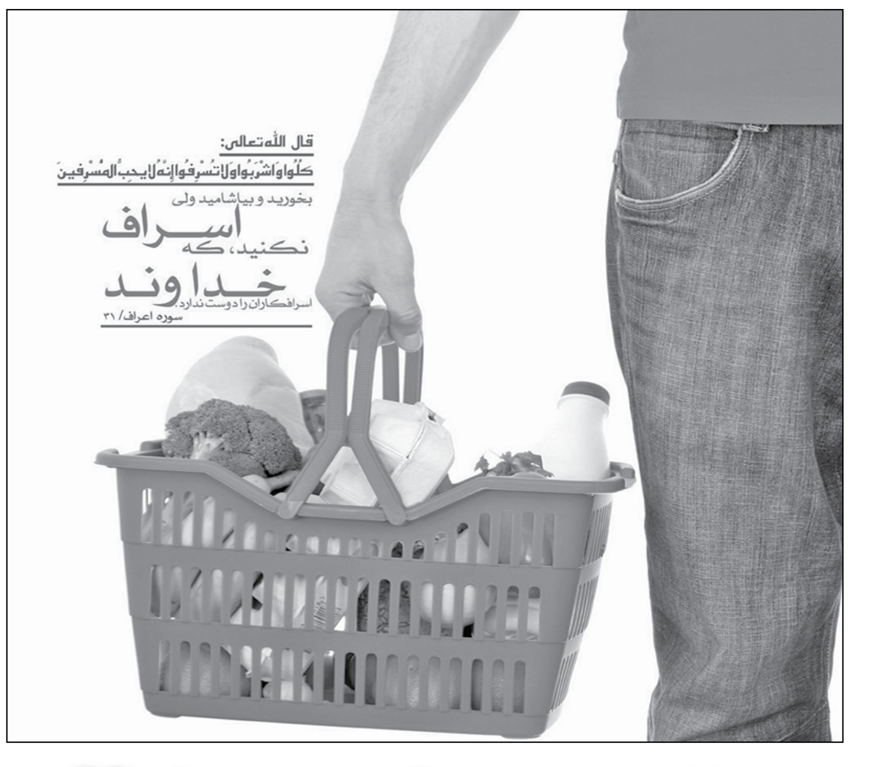
قال الله تعالی:
کُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ
بخورید و بیاشامید ولی
اسراف نکنید، که
خداوند
اسرافکاران را دوست ندارد.
سوره اعراف/ ۳۱

اسراف در طیبات، عملی حرام است که خشم الهی را برای مسرف به دنبال دارد.(طه، آیه ۸۱) همچنین اسراف در مصرف(اعراف، آیه ۳۱) و نیز انفاقات مالی(انعام، آیه ۱۴۱)،قصاص(اسراء، آیه ۳۳) و تصرف در اموال یتیمان(نساء، آیه ۶) از دیگر محرمات است که مسلمانان و مؤمنان باید آن را بشناسند و از آن اجتناب کنند؛ زیرا اسراف در هر حال عملی باطل و حرام است. باید توجه داشت که گاه انسان به سبب رفاه و آسایش در زندگی(یونس، آیه ۱۲) و تزیین شیطانی(همان) گرفتار اسراف می‌شود و از مسیر حق و سنت‌ها و قوانین الهی تجاوز می‌کند و برای خویش عذاب دنیوی و اخروی را رقم می‌زند. به هرحال، مؤمنان نباید اهل اسراف باشند و مطیع مسرفان شوند؛ زیرا اصولا رفتارهای مسرفانه و همچنین اطاعت از مسرفان، موجب افساد در زمین و عدم اصلاح آن می‌شود که امری زشت و بسیار خطرناک است.(شعراء، آیات ۱۵۱ و ۱۵۲)

اسراف مسرفان از مهم‌ترین عوامل خروج مسیر زندگی دنیوی از حالت صلاح و اصلاح و ورود به مسیر افساد و فساد است.(همان) همچنین اسراف مسرفان ستمگر اجتماعی مانند اسراف فرعونیان باعث ایجاد خفقان اجتماعی و ترس در مردم می‌شود و امنیت و آرامش را از آنان سلب می‌کند.(یونس، آیه ۸۳)

> **وقتی از اسراف سخن به میان می‌آید، اولین چیزی که به ذهن متبادر می‌شود، اسراف اقتصادی است؛ در حالی که از نظر آموزه‌های قرآن، اسراف به معنای تجاوز از حدود در هر کاری، ساحات گوناگون از عقاید تا رفتار جنسی بلکه انفاقات مالی و قصاص کیفری و مانند آنها را شامل می‌شود. بنابراین، وقتی قرآن از اسراف سخن به میان می‌آورد ساحات فرهنگی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی و مانند آنها را شامل می‌شود.**

کسانی که روحیه و رویه اسراف دارند، مردمانی حق‌گریز هستند و دعوت‌های حق‌گرایانه پیامبران را نمی‌پذیرند و بلکه با آن مبارزه می‌کنند (یس، آیات ۱۳ تا ۱۹)؛ زیرا مسرفان در دام زینت شیطانی گرفتار هستند(یونس، آیه ۱۲) تا جایی که وجود پیامبران و حضور ایشان را به فال بد می‌گیرند و با تطیر، آنان را شوم و پلید معرفی می‌کنند در حالی که چنین سخنی باطل و خرافه است. (یس، آیات ۱۶ تا ۱۹)

روحیه و رویه گرایش به اسراف موجب می‌شود تا مسرفان به تکذیب پیامبران و رویارویی با رسولان الهی بپردازند(یس، آیات ۱۳ تا ۱۹) و با تهدید به قتل و سنگسار اجازه فعالیت به پیامبران ندهند. (همان)

مسرفان با اسراف خویش بدبختی را برای خود رقم می‌زنند، در حالی که بر اساس خرافات حضور پیامبران را عامل بدبختی می‌دانند؛ زیرا از نظر قرآن، مشکلاتی که برای مسرفان پس از حضور پیامبران ایجاد می‌شود، به سبب اتمام حجت الهی است؛ زیرا وقتی اتمام حجت الهی انجام شود و افراد همچنان بر گناه و اسراف خویش اصرار کنند، خدا آنها را مجازات و کیفر می‌کند. پس این حضور پیامبران نیست که عامل بدبختی مسرفان است، بلکه مسرفان به سبب گرایش به اسراف پس از اتمام حجت و بیان حق از سوی پیامبران، موجبات خشم و غضب الهی را فراهم می‌آورند و این‌گونه است که این اتمام حجت و عدم رهایی از اسراف عامل بدبختی آنان می‌شود. به سخن دیگر، هر کسی به گناه خویش عذاب می‌شود که در این‌جا اسراف مسرفان پس از اتمام حجت است.(یس، آیه ۱۳ تا ۱۹)

از نظر قرآن، اسراف در امور به‌ویژه امور اقتصادی موجب می‌شود تا مسرفان محبوب خدا نباشند و در معرض غضب و بغض الهی قرار گیرند که آثار آن در زندگی دنیوی و اخروی،خودش را نشان می‌دهد.(انعام، آیه ۱۴۱؛ اعراف، آیه ۳۱)

از نظر آموزه‌های قرآنی، اسرافگری در انفاق موجب محرومیت انسان از رسیدن به مقام بندگی و عنوان «عبادالرحمن» است.(فرقان، آیات ۶۳ و ۶۷)

بر اساس گزارش‌های قرآنی، کسانی که گرفتار اسراف و تجاوز از حدود الهی هستند باید بدانند که این کارشان موجب محرومیت از هدایت‌های خاص الهی(غافر، آیات ۲۸ و ۳۴) و حتی محرومیت از پیروزی برای مجاهدان در میادین نبرد می‌شود (آل عمران، آیات ۱۴۶ تا ۱۴۸)؛ زیرا از این آیات دانسته می‌شود که اسراف مانع پیروزی مجاهدان است و مسلمانان از خدا می‌خواهند تا از اموری چون دنیاطلبی و اسراف در امان بمانند تا گرفتار شکست نشوند چنان‌که در جنگ احد چنین امری رخ داد و موجب شکست مجاهدان در راه خدا شد.

ناسپاسی و کفران نعمت و غفلت از توجه به خدا هنگام رفع گرفتاری‌ها از دیگر آثار اسراف است(یونس، آیه ۱۲)، نومیدی از رحمت خدا نیز از دیگر پیامدها و آثار روحیه و رویه اسرافی است.(زمر، آیه ۵۳)

در حقیقت خدا با نهی از اسراف به این نکته توجه می‌دهد که چنین افرادی گرفتار نومیدی از رحمت او می‌شوند. بنابراین، انسان باید خود را از اسراف دور نگه دارد تا به گناه بس بزرگ نومیدی از رحمت دچار نشود. از آنجا که اسراف مسرفان مهم‌ترین سد در راه تحقق امید است، خدا از شکل‌گیری روحیه و رویه مسرفانه برحذر می‌دارد که انسان را در چاه ویل نومیدی می‌افکند.(همان) خدا به مردمان این هشدار را می‌دهد که اسراف به‌ویژه در ساحت شهوت‌رانی می‌تواند انسان را از مسیر دین دور سازد و گرفتار همجنس‌بازی کند که رویه باطل و زشت و گناهی بزرگ است.(اعراف، آیات ۸۰ و ۸۱) همچنین خدا به مسرفان هشدار می‌دهد که اسرافگری زمینه‌ساز افتادن در دام شیطان و تزیین‌گری اوست تا جایی که مسرفان اعمال زشت خود را نیک می‌پندارند و آن را ادامه می‌دهند و این‌گونه دیگر نمی‌توانند در مسیر حق قرار گیرند.(یونس، آیه ۱۲) مسرفان باید خود را آماده کیفرهای دنیوی و اخروی شدید و سخت الهی کنند؛ زیرا از نظر قرآن، مسرفان در دنیا به سبب خروج از دایره حق و عدالت و دین و تشکیک در معارف آسمانی و معجزات و بینات پیامبران الهی، گرفتار گمراهی شده(غافر، آیه ۴۴) و در دنیا با عذاب هلاک شده(انبیاء، آیه ۹؛ یس، آیات ۱۳ تا ۲۹؛ ذاریات، آیات ۳۱ تا ۳۴) و با آتش دوزخ کیفر می‌شوند. (غافر، آیه ۴۳) به هرحال، انسان حکیم مؤمن کسی است که در مسیر سنت‌ها و قوانین حاکم بر هستی زندگی خویش را سامان دهد و به دور از هرگونه ظلم و تجاوزگری و اسراف زندگی کند و به خود اجازه ندهد تا راهی برود که او را از مقام عبادالرحمن و آثار آن دور سازد.

شبهه ها
و
پاسخ ها

زیان‌ها و آفت‌های دروغگویی

شبهه: برخی فرزندان خیلی راحت دروغ می‌گویند و وقتی تذکر می‌دهیم، می‌گویند چه اشکالی دارد؟ یک دروغ ما چه ضرری به دیگران دارد؟ به‌طور کلی دروغ برایشان یک کار عادی شده است.

پاسخ: یکی از رذائل اخلاقی که عوارض و پیامدهای دنیوی و اخروی به همراه دارد، دروغ است. دروغ گفتن چنانچه تکرار شود عادی می‌گردد و ترک آن دشوار خواهد بود. در امر تربیت نیز بر والدین لازم است تا از طریق پایه‌گذاری بنای صداقت در زندگی، فرزندان خویش را به راستگویی عادت دهند و چنانچه فرزندان سراغ دروغ رفتند، باتدبیر و مهارت، آنها را نسبت به عوارض این رذیله آگاه کنند. اینکه انسان چرا سراغ دروغ می‌رود، ریشه در علت‌های گوناگون دارد. به همین دلیل چنانچه والدینی با دروغگویی فرزند خویش مواجه شدند، لازم است تا علت آن را جست‌وجو کرده و درصدد حل آن برآیند. آنچه منجر به امرکردن دین به یک دستور و الزام بر انجام آن می‌شود، فواید ظاهر و نهفته در آن عمل است و آنچه باعث نهی از یک عمل و ضرورت بر ترک آن است، عوارض و اثرات منفی آن فعل است. صداقت، فواید بسیار و دروغگویی، زیان‌های متعددی دارد که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد:

فواید صداقت و زیان‌های دروغگویی

از جمله فواید صداقت و زیان‌های دروغگویی عبارتند از:

۱. نجات و هلاکت

در روایت دروغگویی مایه هلاکت و صداقت عامل نجات معرفی شده است. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «الصادِقُ علی شَفا مَنجاةٍ و کَرامَةٍ، و الکاذِبُ علی شَـرَفِ مَهواةٍ و مَهانَةٍ؛ راستگو، در آستانه نجات و بزرگواری است و دروغگو بر لبه پرتگاه و خواری.»(۱)

۲. عزیز بودن و خوار شدن

از دیگر فواید صداقت کسب عزت در میان مردم است؛ حال‌آنکه دروغ انسان را خوار می‌کند. آگاه‌کردن فرزندان از این امر می‌تواند در تشویق آنها به راستگویی و ترک دروغ مؤثر باشد.

۳. خشم خدا و ملائکه

در روایتی دیگر، عوارض دروغ این‌گونه بیان شده است: «یَکتَسِبُ الکاذِبُ بکذبِهِ ثلاثا: سَخَطَ اللّه علَیهِ، و استِهانَةَ النّاسِ به و مَقتَ الملائکـةِ لَهُ؛ دروغگو با دروغگویی خود سه چیز به دست می‌آورد: خشم خدا، نگاه تحقیرآمیز مردم و دشمنی فرشتگان.»(۲)

۴. تخریب ایمان

امام باقر(ع) می‌فرماید: « إنّ الْکَذِبَ هُوَ خَرَابُ الْإِیمَانِ؛ دروغ ویران‌کننده ایمان است.»(۳)

۵. بستر گناه و عذاب اخروی

در روایت آمده است: رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: « إیّاکُمْ وَ الکذْبَ فَإنّ الکذبَ یَهْدی إلَی الفُجُورِ وَ الفُجُورُ یَهدی إلَی النّار؛ از دروغ بپرهیزید، زیرا دروغ انسان را به فسق و فجور می‌کشاند و فسق و فجور هم انسان را روانه آتش جهنم می‌کند.»(۴)

۶. سوءظن و بدبینی

افراد دروغگو به‌واسطه دروغی که می‌گویند، دچار بدبینی نسبت به مردم می‌شوند و حرف راست را به‌سختی باور می‌کنند. در روایت آمده است: « إنّ أشدّ النّاس تصدیقا للنّاس أصدقهم حدیثا و إنّ أشدّ النّاس تکذیبا أکذبهم حدیثا؛ هر که راستگوتر است سخن مردم را زودتر باور می‌کند و هر که دروغگوتر است بیشتر مردم را دروغگو می‌شمارد.»(۵)

۷. رسوایی

از دیگر عوارض دروغ، رسوا شدن انسان است. دروغگو بالاخره رسوا می‌شود و رسوایی نتیجه‌ای جز بی‌آبرو شدن و فضاحت ندارد. در روایت آمده است: «الْکَذِبُ فَضّاح؛ دروغ مایه رسوایی است.»(۶)

۸. ریشه گناهان

رفتارهای انسان زنجیروار به یکدیگر ربط پیدا می‌کنند. دروغ از جمله گناهانی است که بستر سایر گناهان را فراهم می‌آورد. شخصی که دروغ می‌گوید از ترس رسوا شدن، خودش را آلوده به گناهان دیگری همچون غیبت، تهمت و... می‌کند. امام حسن عسکری(ع) می‌فرماید: « جعلت الخبائث کلها فی بیت وجعل مفتاحها الکذب؛ همه پلیدی‌ها در اتاقی قرار دارند و کلید آن، دروغ است.»(۷)

۹. اضطراب

انسانی که دروغ می‌گوید یک‌لحظه آرامش ندارد؛ چرا که هر آن احتمال دارد دروغش برملا شود و آبرویش برود. ثمرهٔ صداقت، آرامش است و دروغ نتیجه‌ای جز اضطراب نخواهد داشت.

۱۰. عدم هدایت

فرد دروغگو، فرصت هدایت الهی را از دست می‌دهد؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «خدا کسی را که اسرافکار و بسیار دروغگوست، هدایت نمی‌کند.»(۸)

۱۱. روسیاهی

از دیگر عوارض دروغ روسیاهی در آخرت است؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند می‌بینی که صورت‌هایشان سیاه است.»(۹) علاوه بر آنچه ذکر شد، دروغگویی موجبات لعن خدا و فرشتگان را فراهم می‌آورد؛ و طبق روایات چنین شخصی نمی‌تواند در زمره صدیقان و شهیدان قرار گیرد.

دروغ و جوانمردی و مروت یک‌جا جمع نمی‌شوند. عادت به‌دروغ، فقر و تنگدستی را به همراه دارد. فراموشکاری را نیز می‌توان از دیگر عوارض دروغگویی برشمرد. چه‌بسا شخص دروغگو برای حفظ و تقویت دروغ خود تا پای ایجاد بدعت در دین نیز پیش برود و آنچه از دین نیست را جزء دین بداند و بنامد. استمرار در دروغگویی، بیماردلی را نتیجه می‌دهد، تا جایی که تشخیص حق از باطل برای دروغگو سخت می‌شود. دروغگو خود را آمادهٔ پذیرش نفاق می‌کند و به‌راحتی می‌تواند در نقش یک منافق ایفای نقش کند. خسران ابدی، محرومیت از رستگاری، فقدان ادراک و طرد اجتماعی را نیز می‌توان از دیگر عوارض دروغگویی برشمرد.

> **انسانی که دروغ می‌گوید یک لحظه آرامش ندارد چرا که هر آن احتمال دارد دروغش برملا شود و آبرویش برود. ثمرهٔ صداقت، آرامش است و دروغ نتیجه‌ای جز اضطراب نخواهد داشت.**

نتیجه‌گیری

دروغگویی یا همان کتمان بی‌دلیل حقیقت، از نگاه اسلام فعلی حرام و از گناهان کبیره است. انسان فطرتاً اهل صداقت است و دروغگو شدن فرزندان ما ریشه در خانواده، تربیت، مدرسه و اجتماع دارد. چنانچه فرزندان ما اهل دروغ گفتن باشند، در وهله اول باید علت دروغگویی را ریشه‌یابی کرد. بر والدین واجب است متناسب با سن فرزند و نوع علت به درمان آن مبادرت ورزند. تبیین گناه بودن دروغ و حرام بودن آن، تشریح عوارض و آفت‌های دروغگویی چون محروم شدن از هدایت الهی، بی‌اعتبارشدن در دنیا، روسیاهی در آخرت، طرد از رحمت الهی، کم‌شدن روزی، ازدست‌دادن دوستان، خسران ابدی و... و همچنین بیان فواید صداقت هم‌چون کسب عزت در خانواده و اجتماع، افزایش برکت، تداوم رفاقت‌ها و اجر و پاداش الهی، از مهم‌ترین وظایف والدین برای حل این معضل است.

> **دروغگویی یا همان کتمان بی‌دلیل حقیقت، از نگاه اسلام فعلی حرام و از گناهان کبیره است. انسان فطرتاً اهل صداقت است و دروغگو شدن فرزندان ما ریشه در خانواده، تربیت، مدرسه و اجتماع دارد. چنانچه فرزندان ما اهل دروغ گفتن باشند، در وهله اول باید علت دروغگویی را ریشه‌یابی کرد. بر والدین واجب است متناسب با سن فرزند و نوع علت به درمان آن مبادرت ورزند. تبیین گناه بودن دروغ و حرام بودن آن، تشریح عوارض و آفت‌های دروغگویی چون محروم شدن از هدایت الهی، بی‌اعتبارشدن در دنیا، روسیاهی در آخرت، طرد از رحمت الهی، کم‌شدن روزی، ازدست‌دادن دوستان، خسران ابدی و... و همچنین بیان فواید صداقت همچون کسب عزت در خانواده و اجتماع، افزایش برکت، تداوم رفاقت‌ها و اجر و پاداش الهی، از مهم‌ترین وظایف والدین برای حل این معضل است.**

۱.دشتی، محمد، نهج‌البلاغه، خطبه ۸۶، ص۶۷. ۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم، محقق / مصحح: رجائی، سید مهدی، دارالکتاب الإسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق، ص۸۱۲. ۳. کلینی، الکافی، محقق / مصحح: غفاری، علی‌اکبر و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص۳۳۹. ۴. السبزواری، الشیخ محمّد بن محمّد، جامع الأخبار، محقق: علاء آل جعفر، قم، مؤسسه آل‌البیت لإحیاء التراث، ص۴۱۷. ۵.پاینده، ابوالقاسم، نهج‌الفصاحه، ناشر: دنیای دانش، ص۲۷۲. ۶.تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم، محقق / مصحح: درایتی، مصطفی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ش، ص۲۱۸. ۷.مجلسی، بحارالأنوار، تحقیق: میانجی، سید ابراهیم و محمد باقر بهبودی، دارالاحیاء التراث، چاپ سوم، ۱۴۰۳هق، ج۶۹، ص۲۶۳. ۸.غافر، آیه ۲۸. ۹.زمر، آیه ۶۰.

چراغ راه

لزوم اجتهاد در دگرسازی و نصرت حق

قال‌الامام علی(ع): «من واجب حقـوق الله علی عباده النصیحه بمبلغ جهدهم و التعاون علی اقامه الحق.»

امام علی(ع) فرمود: از حقوق واجب خداوند بر بندگانش این است که به اندازه توانایی خود، در خیرخواهی و نصیحت بندگان خداکوشش کنند، و در راه برقراری حق در میان دیگران، همکاری و کمک نمایند.(۱)

۱- نهج‌البلاغه- خطبه ۲۱۶

حکایت خوبان

مصادیق خوبی و بدی در آزمایش الهی

روزی امام علی(ع) بیمار شد و گروهی به عیادت آن حضرت رفتند، و عرض کردند: چگونه صبح کردید ای امیرالمومنین(ع)؟ حضرت فرمود: با بدی. عرض کردند: سبحان‌الله! چنین سخنی از چون شمایی (بعید است)؟ فرمود: خدای تعالی می‌فرماید: «و شما را با بدی و خوبی می‌آزماییم.» خوبی همان تندرستی و توانگری است و بدی همان بیماری و نادانی است. و این هر دو برای آزمایش است.(۱)

۱- میزان‌الحکمه، محمدی ری‌شهری، ج۲، ح ۱۸۸۸

پرسش و پاسخ

اجتهاد یا تقلید یا هر دو؟

پرسش:

از منظر آموزه‌های وحیانی یک مسلمان برای شناخت اوامر و نواهی الهی باید مجتهد باشد یا مقلد یا هر دو؟

پاسخ:

دو کلمه اجتهاد و تقلید با دو معنی متقابل خود، در میان مسلمانان زیاد استعمال می‌شود که در اینجا در چارچوب معنای عرفی آن به این موضوع خواهیم پرداخت که یک فرد مسلمان برای شناخت و آگاهی از تکالیف خود و اوامر و نواهی الهی آیا فقط باید مجتهد باشد؟ یا فقط باید مقلد باشد؟ یا تلفیقی از هر دو که در بعضی حوزه‌ها باید مجتهد باشد و در برخی حوزه‌ها مقلد.

مفهوم اجتهاد و تقلید

۱- از نظر شیعه، آیین پاک اسلام گذشته از یک رشته معارف اصلی مربوط به مبدأ و معاد و یک رشته دیگر اصول اخلاقی، یک سلسله قوانین و مقررات در اطراف اعمال انسانی دارد که بدون استثنا به همه جهات زندگی جامعه انسانی رسیدگی نموده، هر انسان مکلفی را اعم از سیاه و سفید، و عرب و عجم و مرد و زن در هر محیطی و با هر شرایطی زندگی نمایند، موظف می‌کند که اعمال فردی و اجتماعی خود را با آنها تطبیق نموده و از آن دستورات که مجموعه آنها به نام شریعت نامیده می‌شود پیروی نمایند و البته تطبیق هیچ عملی به قانون و حکم مربوط به خود، بدون تشخیص علمی متن همان قانون میسر نیست، از همین رو تحصیل علم به قوانین علمی و احکام فرعی اسلام یکی از وظایف مسلمین خواهد بود. این مسئله در عین اینکه از راه اعتبار عقلی به ثبوت می‌رسد بیانات کتاب و سنت نیز همین معنا را تایید می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: «و لاتقف ما لیس لک به علم» از آنچه که بدان علم نداری پیروی مکن.(اسراء- ۳۶) پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه» تحصیل علم بر هر زن و مرد مسلمانی واجب است.(تنبیه‌الخواطر، ج ۲، ص ۱۷۶)

در امالی شیخ مفید از قول امام صادق(ع) نقل می‌کند که خدای متعال روز قیامت از بنده خود می‌پرسد: آیا می‌دانستی؟ اگر بگوید: بلی. می‌فرماید: چرا به آنچه می‌دانستی عمل نکردی؟ و اگر بگوید نمی‌دانستم می‌فرماید: چرا یاد نگرفتی تا عمل کرده باشی؟ در نتیجه بنده را محکوم می‌کند و همین است معنی حجت بالغه آنجا که می‌فرماید: «ولله الحجه البالغه» (انعام- ۱۴۹)

۲- نظر به اینکه بیانات دینی که در کتاب و سنت واقع است، کلی و محدود و صور اعمال و حوادث واقعه که مسائل مورد ابتلا را تشکیل می‌دهند، غیرمتناهی و نامحصورند، برای به دست آوردن جزئیات احکام و تفاصیل آنها، راهی جز اعمال نظر و پیمودن طریق استدلال نیست و از همین جا روشن می‌شود که برای تشخیص وظایف و احکام دینی باید راهی را پیمود که عقلای اجتماع برای تشخیص وظایف فردی و اجتماعی از متن قوانین و دستورات کلی و جزیی و معمولی می‌پیمایند. بنابراین معنی اجتهاد به دست آوردن حکم شرعی است از بیانات دینی به طریق نظر و استدلال که با به کار انداختن یک رشته قواعد مربوط مانند اصول فقه انجام می‌گیرد.

عدم امکان اجتهاد برای همه مردم

انجام وظیفه اجتهاد برای همه افراد مسلمان امکان‌پذیر نمی‌باشد، و تنها عده معدودی قدرت و توانایی انجام چنین رسالتی را دارند. معذوریت اجتهاد در احکام برای همه از یک سو و وجوب تحصیل معرفت به احکام برای همه از طرف دیگر، موجب گردیده است که در اسلام برای افرادی که توانایی اجتهاد ندارند، وظیفه دیگری در نظر گرفته شود و آن این است که احکام دینی مورد ابتلای خود را از افرادی که دارای ملکه اجتهاد و قریحه استنباط می‌باشند اخذ و دریافت دارند، و این است معنی کلمه تقلید در مقابل کلمه اجتهاد که در میان ما مسلمانان رواج دارد.

اجتهاد و تقلید با عقل و فطرت انسانی

با نظری دقیق‌تر و بحثی عمیق‌تر می‌توان به دست آورد که موضوع اجتهاد و تقلید ریشه وسیع‌تری دارد، و سلوک طریق اجتهاد و تقلید یکی از اساسی‌ترین اجزاء برنامه زندگی انسان می‌باشد و هر انسانی با عقل و فطرت انسانی خود، راه زندگی را در جایی که می‌تواند با اجتهاد و در جایی که عاجز است با تقلید می‌پیماید. بنابراین دستور اجتهاد و تقلید در اسلام ارشاد مردم خواهد بود به سوی روشی که عقل و فطرت انسانی به وی هدایت می‌نماید. در این رابطه هر انسانی در بخش بسیار کوچکی از جهات زندگی خود به اجتهاد می‌پردازد، و بخش‌های دیگر گسترده‌تر را با تقلید می‌گذراند. راستی کسی که مدعی است در زندگی خود زیربار تقلید نرفته و نخواهد رفت، با یک پندار دروغین و خنده‌دار خود را فریب می‌دهد. لذا قضاوت عقلانی و فطری به جواز تقلید یا لزوم آن در جایی است که انسان جاهل بوده و توانایی اعمال نظر و بررسی فکری مسئله را نداشته باشد، و در آن زمینه مرجع تقلید پیشوای مفروض و مرجع صلاحیت‌دار و قابل اعتماد و وثوق بوده باشد. در غیر این صورت تقلید از غیر فرد ثقه و صلاحیت‌دار قابل ذم و نکوهش می‌باشد.

سلوک عارفانه

چگونگی رشد مکتب اسلام و تداوم آن

اسلام فقط و فقط با مواجهه صریح و شجاعانه با عقاید و افکار مختلف و متناقض با اسلام می‌تواند به حیات خودش ادامه بدهد. چنین تصور نشود که با جلوگیری از ابراز افکار و عقاید می‌شود از اسلام پاسداری کرد. از اسلام فقط با یک نیرو می‌شود پاسداری کرد و آن: منطق و آزادی دادن و مواجهه صریح و رک و روشن با افکار مخالف است.(۱)

۱- مجموعه آثار استاد شهید مطهری(ره)، (آینده انقلاب اسلامی) ج ۲۴، ص ۱۳۱